



علی اصغر حکمت
استاد ممتاز دانشگاه

دانشگاه
تهران
چگونه
بوجود
آمد؟

یادداشت‌هایی از عصر پهلوی

شماره ۲۹

قسمت دوم

قدمه

غاز ساختمان

پس از روزتاریخی ۱۵ بهمن ۱۳۱۳ که اعلیحضرت شاهنشاه لوحه یادگار بنیاد مارت دانشگاه را در محلی که اکنون پلکان ورودی جنوبی دانشکده پزشکی است در دل سنگ به‌بودیه نهادند ساختمان در زمین وسیع جلالیه بی‌درنگ شروع گردید .

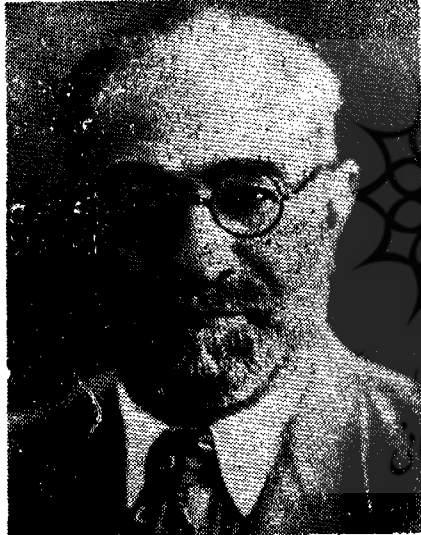
عرصه این زمین که اکنون از طرف شمال منتهی به خیابان دانش و جنوب آن خیابان اهرضا و ضلع شرقی آن خیابان آناطول فرانس و ضلع غربی آن خیابان ۲۱ آزادی شامل ۲۰۱۱۸ مترمربع می‌باشد و مساحت ابنیه اعیانی آن که شامل بردانشکده‌های ششگانه و بیتخانه مرکزی و باشگاه است ، ۱۱۹۵۸۰ مترمربع است .

نقشه عمومی دانشگاه را یک معمار عالی مقام فرانسوی موسوم به آندره گدار رئیس کل ستانشناسی و موزة ایران باستان دیپلمه مدرسه عالی صنایع ظریفه پاریس طرح کرد و نگارنده روزمبارک ۱۵ بهمن ۱۳۱۳ در تالار تشریح آنرا به عرض شاهنشاه رسانیده و ضمناً توضیحات لازم را تقدیم نمودم و مورد تصویب قرار گرفت .

دستگاهی در سال ۱۳۱۳ ش در وزارت معارف بنام « اداره ساختمان » تشکیل شده بود که با اعضاء فنی و اعتبار ۲۵۰۰۰۰ تومان اعطائی بودجه معارف آغاز بکار کرد . نخست طرح چهارخیابان خارجی و دو خیابان داخلی ریخته شد و در اواخر زمستان آن سال در تمام این شش خیابان نهالهای درختان سایه گستر چنار غرس گردید که اکنون چهل ساله شده اند .

اولین دانشکده

نخستین دانشکده‌ای که بر طبق برنامه در دست اقدام شد دانشکده طب (پزشکی) بود . به دودلیل آن دانشکده در رأس برنامه قرار داشت که اولاً در آن تاریخ تشکیلات مدرسه طب تکامل یافته و به صورت یک مدرسه عالی (فاکولته) در آمده بود ولی در خانه‌های استیجاری نامناسب با کمال مضیقه روز می گذرانید . ثانیاً آنکه از همه مهمتر احتیاج مبرم کشور به وجود اطباء جوان بود که در آن دانشکده هر چه زودتر تربیت بشوند و جرح بهداشت مملکت را بکار بیندازند . تجهیز پزشک دارو ساز و دندان ساز و طبقه حیاتی مملکت و دولت بود .



صبح روز سوم خرداد ۱۳۱۴ در خدمت محمد علی فروغی رئیس الوزراء کلنگ نخستین مدرسه طب به زمین زده شد و روز ۴ اسفند ۱۳۱۶ ساختمان تمام آن از اصل و فروع و دو (فاکولته) دندان سازی و دو - سازی درد و نقطه شمال شرقی و غربی ساخته و پرداخته و در مجلس باشکوهی که در تالار کوچک دانشکده طب تشکیل شد با حضور هیئت دولت و وکلای مجلس و رجال و اعیان و دانشمندان و اساتید دانشکده پزشکی چنان که الان هست افتتاح یافت که انشاء الله پاینده بماند .

تالار ابن سینا

در شمال دانشکده در ورودی بزرگی

محمد علی فروغی

به خیابان دانش باز میشد ، و در داخل دهلیز عریضی وارد میشد که در اصطلاح آن اشعار معروف حکیم نظامی به خط ثلث به قلم عبدالحمید ملک الکلامی خطاط معروف بر روی سنگ مرمر کتیبه شده بود .

نگارنده بخوبی به خاطر دارم که در وسط دهلیز در مقابل در ورودی این ایات خوانده میشد :

علم الا بدان و علم الادیان
آن هر دو فقیه یا طبیب است

فرمود نبی که علم علمان
در نافع دو علم بوی طبیب است

می باش فقیه دانش اندوز اما یزه فقیه حیلت آموز
 می باش طبیب آدمی هش اما نه طبیب آدمی کش . . الخ
 تالار عظیم ابن سینا که اکنون موجود است در محل همان دهلیز و بر روی نقشه‌ای
 طراحی مهندس فرانسوی در عصر اعلی حضرت شاهنشاه آریامهر در سال ۱۳۳۱ شمسی شروع
 گردید در آن هنگام انجمن آثار ملی بر حسب اجازه شاهنشاه که همواره به تجلیل بزرگان
 تاریخی علاقه قلبی دارند در صدد بود که به مناسبت هزارمین سال تولد حکیم
 بزرگ شیخ الرئیس ابوعلی سینا در ایران جشنی عظیم برپا کند و آرامگاه او را در همدان
 بسازد همانطور که در زمان پدرو تاجدار ایشان برای گوینده طوسی از ادب تجلیل کردند در
 این زمان نام آن حکیم بزرگ را زنده نمایند . این تالار در سال ۱۳۳۲ آماده و مجهز شد
 رئیس دانشگاه وقت دکتر علی اکبر سیاسی و رئیس دانشکده طب دکتر جهان‌شاه صالح در تکمیل
 آن الحق سعی بلیغ نمودند و کنگره بین‌المللی هزاره آن حکیم بزرگ در اردیبهشت ۱۳۳۳
 در آنجا تشکیل و به مسافرت همدان و گشایش آرامگاه عظیم او پایان یافت .

دو دانشکده حقوق و فنی

در سال ۱۳۱۴ از طرف شاهنشاه اعتبار ساختمان وزارت معارف به یک میلیون ریال
 افزایش یافت که از آن سال به بعد علاوه بر هزینه عمارات دانشگاه ساختمانهای دبیرستانهای
 نو بنیاد در شهرهای بزرگ نیز بمصرف رسید . قسمت اعظم آن برای ساختمان دانشکده‌ها
 تخصیص یافت این اعتبار تا سال ۱۳۱۷ همه ساله اعطا میشد و بناها ادامه داشت .
 بعد از دانشکده پزشکی بر نامه ما عبارت از ساختن دو دانشکده حقوق و فنی بود که
 هر دو در ضلع غربی دانشگاه جای دارند .

چون ساختن این بناهای عظیم و وسیع در مرکز ولایات از طاقت اداره کوچک خارج
 بود ، ناچار بنای دو دانشکده بطور مقاطعه به شرکت ساختمانی سوئدی « سانتاپ »
 واگذار و قرارداد بسته شد .

نقشه داخلی دانشکده حقوق به مهندس محسن فروغی که تازگی بعد از تکمیل
 تحصیلات در مدرسه صنایع ظریفه پاریس به ایران آمده بود محول گردید . این مهندس با ذوق
 و دانشمند که به مدرسه حقوق ارثی داشت و پدر بزرگوارش سالها در آن مدرسه ریاست و
 تدریس کرده بود با اشتیاق فطری وارثی بکار پرداخت .

نقشه دانشکده فنی را مهندس سیر و فرانسوی طرح کرد و عمل مقاطعه کار را آن دو
 مهندس در تحت نظر و مراقبت قراردادند .

و اینجا باید از حسین جودت رئیس اداره ساختمان به نیکی یاد کنیم که در طول مدت
 ساختمان دانشگاه با جدیت و ذوق و شوق مباشرت این کار بزرگ را به عهده گرفت و با درستی
 و امانت و جدیت خستگی ناپذیر خود به این بنای تاریخی خدمت می کرد .

متأسفانه اتمام آن دو دانشکده در زمان اینجانب نصیب نشد و من در تیرماه ۱۳۱۷
 از خدمت معارف برکنار شدم و بعدها و در آن وقت با کمال جدیت بنای را ادامه داده و
 آن را به پایان رسانیدند .

مدرسه عالی حقوق و علوم سیاسی در آن زمان در عمارت کوچکی در کوچه اتابک (بین لاله زار و فردوسی) قرار داشت. در این خانه کوچک بیرونی مرحوم امین السلطان اتابک اعظم عصر ناصری و مظفری بود که بعدها به دولت منتقل شد (اتابک در اواخر ایام صدارت خود در شمال غربی شهر تهران پارک وسیعی احداث کرد که ورثه او آن پارک را به ارباب جمشند بازرگان زرتشتی فروخته و بعداً سفارت دولت روس آنرا خریداری کرد و در حال تحریر این پارک مقبره سفارت شوروی است.)

توسعه دانشگاه در عصر همایون شاهنشاه آریامهر

دراوان سلطنت شاهنشاه جوان و جوان بخت در شهر یور ۱۳۲۰ دانشگاه در دست ساختمان و نیمه تمام بود و هنوز جهت ساختمان دانشگاههای ادبیات و علوم و سایر ساختمانها چون باشگاه اقدامی نکرده بودند.

شاهنشاه آریامهر هم از آغاز سلطنت خود شیوه مرضیه پدر تاجدار خود را پیش گرفته دستور دادند که اعتبارات ساختمانی به وزارت معارف همد ساله در بودجه کماکان بلکه افزایش یابد. از این رو وزرای معارف وقت ورؤسای دانشگاه به نوبت خود بقیه ساختمان دانشگاه را وجه همت قرار داده و بحمدالله به نتیجه مطلوب رسید چهار دانشکده علوم و حقوق و فنی و ادبیات همه در اوائل سلطنت ایشان ساخته و پرداخته و افتتاح یافت. و ایشان به هر یک از آن دانشگاهها شخصاً تشریف آورده و برای تکمیل و توسعه آن اوامری صادر می فرمودند.

در آن زمان بر عمارت دانشگاه اضافات و تأسیسات جدیدی نیز بعمل آمد که شرح مفصل آن از حوصله این یادداشت های مختصر بیرون است از مهمات آن آنچه نظر دارم اجمالاً یاد می کنم :

۱ - در سمت غرب دانشگاه زمین کوچکی بود که قبلاً خریداری شده و در نظر بود ساختمان فرعی در آن بنا شود به دستور ایشان آن زمین را توسعه دادند و عمارت بزرگی در چهار طبقه با وسعت فراوان در آن ساخته شد که اینک مقر رئیس دانشگاه و ادارات مرکزی است.

۲ - کوی دانشگاه.

در فاصله سه کیلومتر در شمال اراضی جلالیه روستائی بود بنام « امیرآباد » که چند خانه دهقانی در آن ساخته ورشته قنات و مزارعی داشت.

در ایام شوم سال ۱۳۲۰ که مصادف با جنگ دوم جهانی بود و خاک میهن عزیز پی - سپر لشکر بیگانگان شد که از شمال و جنوب بایران تاخته و به بهانه حمل اسلحه از آمریکا به روسیه راه آهن سراسر و مناطق مختلف را تصرف کردند و پایگاههایی برای ارتش خود بنا نموده بودند از جمله این قریه و اطراف آن پایگاه ارتش آمریکا شد. در آنجا اردوگاه مفصلی بنا کردند که همچنان تا سال ۱۳۲۳ در تصرف ایشان بود بعد از تخلیه ایران از لشکر بیگانگان آمریکائیها اردوگاه خود را به صاحبان قریه واگذار کردند. ولی ابنیه ای که در آنجا ساخته بودند میخه استند به دولت بدهند. اعلیحضرت آریامهر آن اراضی و ابنیه

از عطیه مخصوص همایونی خریداری و در تاریخ آذر ۱۳۲۴ به دانشگاه مرحمت فرمودند در آنجا کوی مخصوصی برای سکنای دانشجویان از دختر و پسر ساخته شود .
اولیای دانشگاه این بخشش شاهانه را مفتتنم شمرده آن اراضی و ابنیه را تکمیل نمودند اکنون بنام « کوی دانشگاه » جایگاه صدها محصل جوان است .
ساختمان اداره انتشارات و چاپخانه عظیم دانشگاه نیز در همین کوی جای دارد که لیانه دهها کتاب علمی و فنی وادبی و تاریخی بقلم اساتید و دانشمندان در آن جا به -
ع میرسد .

۳ - در جنوب شرقی دانشگاه قطعه زمین وسیعی بالغ بر ده هزار متر وجود داشت در طرح اولیه آنرا برای عملیات ورزش و میدان فوتبال در نظر گرفته بودند در این عصر ایون که ورزشگاه بزرگ امجدیه تشکیل شده بر حسب امر ایشان وزیر معارف وقت (مرحوم ماعیل مرآت) آن زمین را محل بنای عظیمی به منظور تأسیس یک دانشکده ششمین (هنر ی زیبا) قرار دادند . آن دانشکده در این عصر همایون ساخته و پرداخته گردید و هنرمندان و نون مختلفه صنایع ظریفه در آنجا به هنرآموزی و دانش اندوزی مشغول هستند و همه ساله نش آموختگان به خدمت جامعه وارد میشوند .

۴ - در وسط دانشگاه که گرد آرد آنرا دانشکدهها احاطه کرده بودند زمین وسیعی نده بود که در طرح نقشه اولیه آنرا باغ نباتات و دبیرخانه در نظر گرفته بودند و بهمین سطره چند سال آن زمین بی مصرف مانده بود .

در زمان ریاست دانشگاه دکتر منوچهر اقبال از آنجا که شعائر مذهبی همواره وجهه مت شاهنشاه است سعی دارند جوانان مملکت به زیور دین آراسته و مؤمن شوند در سال ۱۳۳۵ مسی طرح مسجدی بزرگ و زیبا ریخته شد و در همان سال این عبادتگاه مقدس با شیبستانهای وسیع و مناره های بلند که همه به بهترین طرحی ساخته و پرداخته و افتتاح شد و با کتیبه های غالب به خط ثلث آیات شریفه قرآنی دیوارها و مناره ها را زینت داده است .

۵ - همچنین در جنوب مسجد طرح ساختمان عظیمی برای کتابخانه مرکزی ریخته شد البته هر دانشکده کتابخانه اختصاصی برای خود داشتند ولی برای مرکز دانشگاه کتابخانه خاصی وجود نداشت کتب خطی که به این مقصود جمع آوری شده بود در محلی نامناسب جمع آوری می شد .

در زمان ریاست دانشگاه آقای دکتر جهان شاه صالح از آن زمین موجود استفاده کرده بر حسب امر شاهنشاه عمارت رفیعی در سه طبقه ساخته شد که شامل طالار بزرگ مرکزی و سالارهای متعدد ترائت و خطابه است و کتب فراوان از هزارها مجلد به اسلوب جدید و شیوه کتابخانه بزرگ لئنگره درواشنگتن در آن جا جمع آوری شده و یک مرکز مطالعه برای دانشجویان فراهم شده است .

در سال ۱۳۵۳ که مصادف با چهلمین سال تأسیس دانشگاه بود نویسنده این خاطره که خود از دل دادگان و دل باخته دانشگاه است اجازه گرفته و دوستانه ساعت بزرگ که صفحه بقریک های آن از مسافت بیعیدی نمایان است بردانشگاه اهداء که اینک در بالای برج کتابخانه مرکزی نصب شده است .

۳۰ فروردینماه ۱۳۴۵